



متن خلاصه ای از سخنرانی دکتر کیارش آرامش تحت عنوان تأثیر سروده های حافظ در اندیشه و رفتار ایرانیان

نهم ماه مارس ۲۰۱۵
کانون دوستداران فرهنگ ایران

در آسمان حکمت شعری فارسی، شاید ستاره ای روشن تر و محبوب تر از حافظ نتوان یافت. پرسش این است که آیا در شب های تاریک تاریخ ایران، این ستاره تا چه حد نورفشانده و راه را روشن کرده است؟

حافظ یک هنرمند است. او هنرمندانه واژه ها و مفاهیم را تراش داده و بلورین کرده و از کلام خود آیینی ساخته است. به همین دلیل است که هر خواننده ای چهره ی خود و اندیشه خود را در این آیین می بیند. آموزه های اخلاقی حافظ درس های روشنی از انسانیت اند که می توان مهمترین آن ها را به این قرار دانست: مهرورزی(عشق)، آزادگی از اتوریته های ذهنی و عینی (رندی)، زیبایی دوستی در هنر و اخلاق(نظربازی)، و انسان دوستی.

این اندیشه ها اما در عالم هنر و عرفان (عالم حیرت) بیان شده اند و تبدیل به نظریه های فلسفی و کلامی و سیاسی (عالم دقت) نشده اند. از همین رو خاصیت ابهام آلود و آینه وار پیدا کرده اند. به همین دلیل بوده است که در طول تاریخ، - حداقل تا پیش از مشروطه، فارسی زبانان به سوی اندیشه یا رفتاری خاص در سطح جمعی هدایت نکرده اند و برای رهایی از دوران تاریخی انحطاط به کار نیامده اند.



اما در عین حال، به غنای فرهنگ فارسی افزوده اند و بار انتقال حکمت و اخلاق و تجربه جمعی فارسی زبانان را به دوش کشیده اند.

در دوران بعد از مشروطه، به علت افزایش سواد و آگاهی عمومی، حافظ بیشتر خوانده و فهمیده شد. در این دوران است صاحبان اندیشه ها و ایده های گوناگونه به سراغ حافظ می آیند و هر کدام رویکردی متفاوت نسبت به او دارند. گوناگونی این برداشت ها و رویکردها و تضاد میان آن ها بسیار درس آموز است.

در این گفتار بعد از بیان ویژگی های اصلی شعر و اندیشه حافظ، نقش و جایگاه و تاثیر شعز او در سه دوره تاریخی معاصر با او، دوران صفوی و قاجاری، و دوران پس از مشروطه مورد بحث قرار می گیرد.